

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نویسنده: هانک آلبارلی* - par Hank P. Albarelli Jr.

برگردان از: حمید محوی

۰۸ دسمبر ۲۰۱۴

جنگ کیمیائی



هانک آلبارلی



وقتی سازمان سیا روی فرانسوی ها به عنوان موش آزمایشگاهی طرح های تجربی اش را به آزمون گذاشت

Quand la CIA menait des expériences sur des cobayes français

روزنامه نگار امریکائی که روی آزمایش های مرتبط به کنترل فکری - روانی در سازمان سیا طی جنگ سرد تحقیق می کرد، مدارکی در مورد رویدادهای ابهام آمیز و توضیح ناپذیر در فرانسه کشف کرده بود. او نوشته است که سال ۱۹۵۱، سازمان سیا در فرانسه یک سلاح سری را به آزمایش گذاشته است: این سلاح پخش ال اس دی LSD به وسیله هوا پخش کن بود. آزمایش در یکی از دهکده های استان گار در جنوب فرانسه انجام گرفته بوده بی آن که مقامات و یا مردم محلی از آن اطلاعی داشته باشند. گویا که این آزمایش به فاجعه انجامیده و موجب مرگ ۷ نفر شده است. ما از هانک آلبارلی Hank Albarelli درخواست کردیم پژوهش خود را به شکل مختصر برای خوانندگان شبکه ولتر توضیح دهد.

شبکه بین المللی ولتر / ۱۶ مارچ ۲۰۱۰

Réseau Voltaire International | 16 mars 2010



تلویزیون فرانس ۳ در ۱۳ فروری ۲۰۱۰ فلم «نان اهریمن» («Le Pain du diable») ساخته برتراند آرتوی Bertrand Arthuys را پخش کرد که بازسازی ماجرای پون - سن - اسپری Pont-Saint-Esprit (به فارسی پل روح مقدس) است. این فلم داستان مردم دهکده ای را به نمایش می گذارد که دچار جنون می شوند، ناتوای دهکده فرد مظنون به نظر می رسد، و مقامات نیز گونی در پی پنهان سازی چیزی هستند. ولی فلم رو یک پرسش به پایان می رسد. شست سال بعد، هنوز از منشأ مسمومیت بی اطلاع هستیم.

از ده ها سال پیش، دو ماجرای اسرار آمیز که ظاهراً هیچ نسبتی با یک دیگر نداشتند پژوهشگران خیلی جدی را به تردید واداشته بود: ماجرای شگفت انگیز به اصطلاح «خودکشی» دکتر فرانک اولسون Frank Olson در نیویورک به سال ۱۹۵۳، و ماجرای توطئه آمیز هذیان جمعی و جنون آمیزی که به سال ۱۹۵۱ در یک دهکده کوچک فرانسوی روی داده بود. مثل بسیاری از داستان هائی که در اینترنت و یا در اخبار تلویزیون از ۳۵ سال پیش می شنویم و می خوانیم، از مدت ها پیش تردیدهای پیرامون مرگ اولسون وجود داشت و حدس می زدند که باید حاصل توطئه چینی دولت باشد، گرچه تا امروز رد پای هیچ قاتل و یا انگیزه احتمالی در رابطه با این واقعه شناسائی نشده است. بحران جنونی که آرامش دهکده کوچک مدیترانه ئی پون- سن - اسپری را برهم زد، ده ها سال موجب سردرگمی دانشمندان شده بود، و بسیاری از آنها حدس و گمان سنگینی را که از سوی افرادی که نظریه حمله سرّی با ال اس دی را مطرح می کردند، تنها به این دلیل ساده که انگیزه چنین جنایتی هنوز از توجهات عمومی مستور مانده بود، با پشت دست کنار می زدند.

در سال ۱۹۹۵، تحقیقاتم را به شکل جدی درباره مرگ دکتر اولسون شروع کردم. او یک باکتریولوژیست امریکائی بود که در یک مرکز تحقیقات جنگ بیولوژیک اولترا سرّی در ارتش ایالات متحده در فورت دتریک Fort Detrick در مریلاند کار می کرد. در آن دوران من هنوز خیلی از کشف جنایتی که پشت پرده مرگ اولسون نهفته بود و آن را به رویدادهای هولناک پون- سن - اسپری در ماه اگست ۱۹۵۱ پیوند می زد به دور بودم. کتاب ۹۰۰ صفحه ئی من «اشتباه بزرگ: مرگ فرانک اولسون و آزمایش های سرّی سازمان سیا در کوران جنگ سرد» به دقت نحوه تلاقی این دو رویداد را شرح می دهد.

دو گزارش تازه در مورد «بروز رسوائی دیپلماتیک و سیاسی مهم با احتمال زیانبار بودن آن برای مناسبات فرانسه و ایالات متحده»، در رابطه با توضیحات و پرونده های موجود در کتابم که به مسمومیت جمعی دهکده پون - سن - اسپری مربوط می شد، تشویق شدم که این مقاله را برای آنهائی که می خواهند کمی بیشتر در مورد رابطه مفصلی این دو رویداد بدانند، بنویسم.

موج جنون شگفت انگیزی که روی دهکده پون - سن - اسپری فرود آمد و حدود پنجم نفر را در خود غرق کرد، مستقیماً به مرگ پنج نفر از آنها و دو مورد خودکشی بین آنها انجامید. طی پنجاه سال پس از این رویداد، پی در پی به مسمویت به بیماری ناخنک در چاودار (نوعی قارچ سمی در غلات)، به عبارت دقیقتر به مصرف نان مسموم به این قارچ هذیان آور توسط اهالی دهکده، و یا مسمویت آنها به جیوه نسبت داده شده است. تا همین چند وقت پیش، از دیدگاه اکثر کارشناسان علمی معتبری که این موضوع را مورد بررسی قرار داده بودند، منشأ مسمویت همچنان ناشناخته باقی مانده بود.

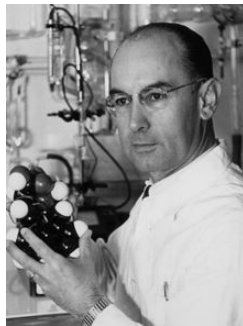
یک روزنامه فرانسوی در آن دوران درام ملال آور در دهکده پون - سن - اسپری را به این شکل ترسیم کرد: « نه شکسپیر و نه ادگار آلن پو، بلکه با تأسف باید به واقعیت غم انگیزی اعتراف کنیم که در تمام پون - سن - اسپری و مناطق پیرامونی در حال حاضر در شرف وقوع می باشد، که چیزی نیست به جز صحنه های هولناکی از هذیان سرگیجه آور. صحنه هایی که مستقیماً از قرون وسطی بیرون آمده، و اشباع شده از رویدادهای هراس آمیز و رد سایه های مرگ است. »

یک مقاله کوتاه در مجله تایمز، و سپس یک روزنامه مهم امریکائی که با سازمان سیا مناسبات خیلی نزدیکی دارد، این واقعه را چنین تشریح کردند: « هذیان فزاینده ای افراد مسموم را فرا گرفته بود: افراد به شکل تشنج آمیزی خودشان روی تخت خواب می افتادند و فریاد می کشیدند که گل های سرخی روی تن آنها می روید. » گزارشگران دیگری که به محل رفته بودند صحنه های دیگری را ترسیم کرده اند، زنان و مردان عریان از پنجره خودشان را به بیرون پرتاب می کردند و در خیابان ها می دویدند، کودکان با اظهار ملالت از مارهایی که در شکم آنها در هم می لولند شکوه داشتند.

<https://www.youtube.com/watch?v=CfolaIEJPZA>

گزارشات دفتر خدماتی رادیو تلویزیون فرانسه

کمی پس از رویداد پون - سن - اسپری در سپتامبر ۱۹۵۱، کارشناسان علمی برای روزنامه بسیار معتبر پزشکی بریتانیائی *British Medical Journal* نوشتند که « موج مسمومیت » حاصل مسمومیت از نوع قارچ ناخنک چاودار بوده است. تشخیص کارشناسان علمی البته به نتایج بیوکیمیست هائی اتکاء داشت که توسط آزمایشگاه ساندوز Sandoz در شهر بازل (سوئیس) صادر شده بود و در فاصله کمی از آنجا قرار داشت. بین اعضای این آزمایشگاه نام دکتر آلبرت هوفمن Albert Hofmann دیده می شود، یعنی نخستین کارشناس علمی که ال اس دی مصنوعی LSD را در سال ۱۹۳۵ به شکل مصنوعی اختراع کرد. وقتی گروه آزمایشگاهی ساندوز از پون - سن - اسپری بازدید به عمل می آوردند، تنها چند کارشناس علمی در جهان، نه بیشتر از هشت یا ده نفر از وجود ال اس دی مصنوعی مطلع نبودند. علاوه بر این، و در اینجاست که موضوع پر اهمیت را باید جست و جو کرد، زیرا هیچ کس در فرانسه سال ۱۹۵۱ به جز چند مقام مسؤول در آزمایشگاه ساندوز از همکاری های نزدیک این مجتمع آزمایشگاهی با سازمان سیا مطلع نبود.



سال ۱۹۳۸، آلبرت هوفمن (۱۹۰۶-۲۰۰۸) کیمیدان در آزمایشگاه ساندوز موفق شد که به شکل مصنوعی ملکول قارچ ناخنک چاودار را ایجاد کند: یعنی ال اس دی. سال ۱۹۵۱، او به عنوان کارشناس در پون - سن - اسپری شرکت داشت.

ساندوز نه تنها مقادیر بسیاری از این مواد مخدر برای سازمان سیا تهیه می کرد، بلکه در عین حال مشاوره خدماتی نیز برای استفاده احتمالی از این ماده مخدر در زمینه دفاعی و تهاجمی به ویژه در چشم انداز آزمایش های سری در ایالات متحده و اروپا عرضه می کرد.

برای اختصار مطالبی که به شکل جامع در کتابم توضیح داده ام، مسمومیت پون - سن - اسپری حاصل آزمایشی بود که به شکل مشترک توسط ارتش ایالات متحده و سازمان سیا در چهار چوب طرح MK/ULTRA به انجام رسید. در واقع این بخش عملیاتی به مدیریت دکتر فرانک اولسون اداره می شد، و گروه عملیات ویژه فورت دتریک Fort Detrick نیز در آزمایشی که در فرانسه انجام داد، تحت نظارت او بود.

باید با دقت تمام در مورد توطئه عمومی پیرامون راز پون - سن - اسپری بگویم که به شکل بارزی خیلی روشن و منسجم به نظر رسید، ولی در عین حال حتی برای من که به سختی شگفت زده می شوم، خیلی شگفت آور بود. پس از تحقیقات عمیقتر، تمام داستان در جزئیات بارز آن نمایان تر شد. حتی امروز، یک سایت انترنتی وزارت دادگستری در مورد خطرات ال اس دی در آغاز سال های ۱۹۵۰ اعلام کرده است که: «شرکت کیمیایی ساندوز Sandoz Chemical Company نزد دولت ایالات متحده از ال اس دی LSD به عنوان سلاح کیمیایی سری احتمالی پشتیبانی می کند. دلیل و برهان اصلی آنها چنین است که مقدار اندکی از مواد مخدر در سامانه های ذخیره آب، یا پخش آن به شکل گرد در هوا می تواند تمام یک لشکر نظامی را به حالت پسیکوتیک در آورده و در نتیجه قابلیت رزمی نفرات آن را خنثی سازد به گونه ای که دیگر قادر به دفاع نباشند.» البته بی آن که در مورد استفاده از ال اس دی در ابعاد تمامی یک شهر بزرگ و یا دهکده ای کوچک چیزی گفته باشد.

از همین رو، با تعمیق پژوهش هایم در این داستان، روزی از روزها پرونده های سری اف بی ای FBI را کشف کردم که به گروه عملیات ویژه فورت دتریک مرتبط بود و می گفت که یک سال پیش از آزمایش سری اش در پون - سن - اسپری، یک شبکه زیر زمینی مترو در نیویورک را در چهار چوب آزمایش مشابهی هدف گرفته بوده است. همان گونه که یک یادداشت اف بی ای به تاریخ اگست ۱۹۵۰ نشان می دهد، «آزمایش های جنگ بیولوژیک که می بایستی توسط نمایندگان ارتش در شبکه متروی زیر زمینی نیویورک در سپتمبر ۱۹۵۰ انجام شود به تاریخ نامشخصی موکول می گردد.»

وقتی درباره این یادداشت با بیوکیمیست های قدیمی فورت دتریک مصاحبه می کردم، به شکل محرمانه به من گفتند که آزمایش های نیویورک «تا روشن شدن نتایج آزمایشی که می بایستی در فرانسه انجام بگیرد به آینده موکول شد.» یکی از کارشناسان علمی گروه عملیات ویژه اضافه کرد: «نتایج کلی آزمایش در جنوب فرانسه مثبت بود، ولی در عین حال با عواقب ناخواسته ای نیز روبه رو شدیم، یعنی با موردی روبه رو شدیم که آن را واکنش «لکلک سیاه» می نامیم. به هیچ عنوان پیشبینی نکرده بودیم که در این آزمایش ممکن است چندین نفر بمیرند.»

همین کارشناسان علمی تأیید کرده اند که پس از آزمایش پون - سن - اسپری، گروه عملیات ویژه فورت دتریک برای انجام عملیاتی با کد «بیگ سیتی» (شهر بزرگ) Big City و «مد هاتر» (دیوانه زنجیری) Mad Hatter به سال ۱۹۵۶ دوباره به نیویورک بازگشتند.

طرح سری پخش مواد کیمیایی توسط سیا و کارشناسان علمی ارتش در اطراف نیویورک با هوا پخش کن از طریق آگروز یک اتومبیل بود. پیش از این طرح، در سال ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ آزمایش های محدود تری در سطح واگن مترو در

نیویورک توسط جرج هانتز وایت George Hunter White مأمور دفتر فدرال مواد مخدر که مخفیانه برای سازمان سیا کار می کرد، انجام گرفته بود. وایت دست کم دوبار دستگاه هوا پخش کن انباشته از ال اس دی را که ویژه عملیات ساخته شده بود، به کار انداخت. گزارشات کتبی وایت که در ارتباط با این آزمایش ها در سال ۱۹۷۳ بود توسط سازمان سیا مورد تخریب قرار گرفت و نیست و نابود شد.

با مراجعه به زمان کمی دورتری، من دلیل واقعی مسمومیت جنوب فرانسه را کشف کردم: یادداشتی متعلق به یک رابط مخفی سازمان سیا که در سال ۱۹۹۹ در اختیار من قرار دادند، نخستین مدرک موثقی بود که به من ثابت می کرد که چیزی ابهام آمیز در رابطه با این واقعه نهفته است.

این گزارش، مورخه دسمبر ۱۹۵۳، روایتی بود درباره ملاقات بین رابط اطلاعاتی ناشناس و مسؤول آزمایشگاه کیمیائی ساندوز در نیویورک. رابط اطلاعاتی نوشته است که پس از «نوشتن چند لیوان» مسؤول ساندوز گفت: «راز پون - سن - اسپری به نان ارتباطی نداشت.» پیش از آن که ادامه دهد: «طی چند هفته فرانسوی ها آزمایشگاه های ما را برای آنالیز نان محاصره کرده بودند. موضوع ارتباطی به قارچ ناخنک چاودار نداشت بلکه ترکیبی از نوع دیتیلامید *diethylamide*». مسؤول ساندوز منظورش این بود که مواد مخدر مصنوعی منشأ موج جنون آسا در پون - سن - اسپری بوده است.

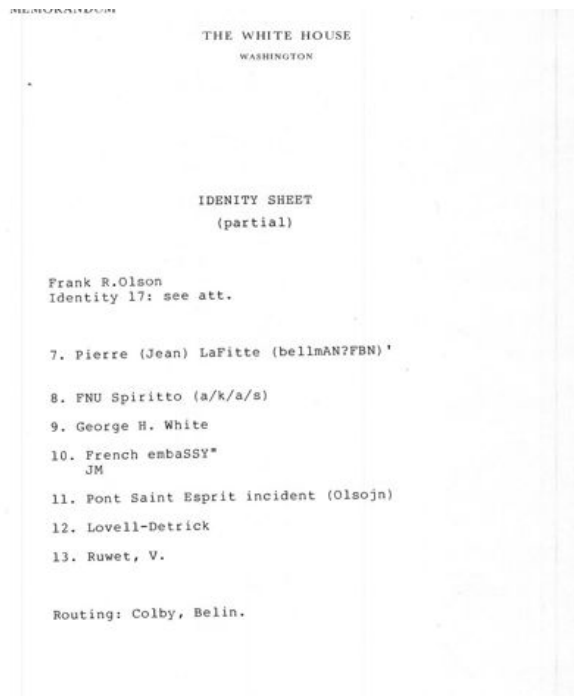
بر اساس گزارش خود او، رابط اطلاعاتی سیا می پرسد: «اگر ماده در نان نبوده، پس چگونه وارد بدن افراد شده است؟» ولی مسؤول ساندوز به این پرسش پاسخ نمی گوید: «یک آزمایش». مأمور اطلاعاتی ناگهان با شگفتی از او می پرسد: «یک آزمایش؟» و مسؤول ساندوز به شکل سر بسته پاسخ می گوید: «شاید دولت فرانسه، با آگاهی به این امر که مأمور اطلاعاتی ایالات متحده احتمالاً به خوبی از هویت واقعی مجریان آزمایش اطلاع داشته است. در مجموع صحنه کمدی سیاسی بزرگی بود که روی این جمله مسؤول ساندوز به پایان می رسد: «دلیل ثانوی که حضور من را در اینجا در ایالات متحده توضیح می دهد این است که باید خودم را از بار ال اس دی هایمان آزاد کنم. اگر جنگ شروع بشود ال اس دی های ما ناپدید خواهد شد.»



به گزارش نشریه امریکانی، پس از انتشار کتاب هانک آلبارلی، ارار کورین دو مانگو Erard Corbin de Mangoux، رئیس مدیریت عمومی امنیت خارجی فرانسه DGSE گویا از وزارت امور خارجه ایالات متحده توضیح خواسته است.

مدرکی که من بعداً در زنجیره مدارک کشف کردم مدرک بی تاریخی از کاخ سفید بود که احتمالاً به پرونده حجیمتری تعلق داشت که توسط رئیس جمهور جerald فورد Ford Gerald به اعضای کمیسیون راکفلر تحویل داده شده بود که در سال ۱۹۷۵ تشکیل یافت تا در مورد حرکات انحرافی سازمان سیا تحقیق کنند. پرونده حاوی اسامی دو تبعه فرانسوی بود که مخفیانه سر از سازمان سیا درآورده بودند، و مستقیماً با «واقعه پون - سن - اسپری» ارتباط داشتند، در پیوند با

یک کار شناس سازمان سیا در جنگ بیولوژیک و فرمانده گروه عملیات ویژه فورت دتریک. این پرونده، به انضمام یک پرونده دیگر، به باور من دلیل انکار ناپذیری را عرضه می کند.



در سال ۲۰۰۵، گزارشگر روزنامه بالتیمور سان *Baltimore Sun*، سگات شان Scott Shane، که در حال حاضر برای نیویورک تایمز کار می کند، نوشت: «ارتش ایالات متحده هیچ پرونده ای نه در مورد *MK/NAOMI* دارد و نه در رابطه با گروه عملیات ویژه [فورت دتریک].»

وقتی سگات و بعد هم خود من از ارتش در مورد دو پرونده درخواست کردیم، به ما جواب دادند که «هیچ یک از پرونده ها را نمی توانند پیدا کنند». سال ۱۹۷۳، سازمان سیا تمام آرشیوهایش را در مورد *MK/NAOMI* و به همین گونه پرونده های همکاری اش با گروه عملیات ویژه از فورت دتریک (مرکز پزشکی ارتش ایالات متحده) را تخریب کرده است.

United States Army Medical Command



MEDCOM

یکی از دلایل تخریب پرونده ها، به گفته خود سازمان سیا، چنین بوده است که «مردم نمی فهمند و یا درباره دلایلی که آژانس ما را به اجرای بسیاری از این طرح ها هدایت کرده است سوء تعبیر خواهند کرد.»

وقتی گزارشگر سكات شان Scott Shane افسر عالی رتبه قدیمی از گروه عملیات ویژه آندریو کو آن Andrew M. Cowan Jr را با پافشاری در مورد طرح های قدیمی به پرسش گرفت، او پاسخ داد که « من در مورد این موضوعات مصاحبه نمی کنم. این موضوعات باید محفوظ بمانند، تا این اطلاعات به دست شورشگران نیفتد. ».

در ابتدای این نوشته، من درباره آزمایش تجربی پون - سن - اسپری نوشتم که این رویداد در حله نخست برای من شوک آور بود. به خاطر بسیاری از مسائل در رابطه با این موضوع من همیشه همین احساس را دارم. ولی نه به خاطر آن دلایلی که خواننده ها می توانستند، تصور کنند. ابتداء، وقتی در رابطه با این موضوع به شکلی که من در کتابم مطرح کرده ام، واکنش برخی را در انترنت می خوانم به من شوک وارد می شود، به عنوان مثال: « که چی، دست کم این آزمایش را در یک دهکده امریکانی انجام نداده اند»، یا بدتر از این، « چرا یک شهر مکزیک را انتخاب نکردند، نزدیکتر است؟ ». خیلی غمگین می شوم وقتی امریکائی ها را می بینم که نسبت به حرکات متکبرانانه و هولناک سیا در گذشته و لنگرانانه برخورد می کنند و بی حس شده اند. بخش مهمی از مردم امریکا در حال حاضر شکنجه را تأیید می کنند.

برخی امریکائی هائی که مسائل را به شکل روشنتری می بینند، آرزویشان بازگشت دولتی است که به حقوق انسان ها احترام بگذارد و قوانین و منشورهای بین المللی را رعایت کند، اسرای جنگی و زندانیان را حفاظت کند، زیرا در حقیقت بررسی عینی و جدی تاریخ جنگ سرد در ایالات متحده دائماً بسیاری از رفتاری هولناک با زندانیان خارجی را آشکار می سازد.

طرح سازمان سیا با کد « آرتیشوک » (کنگر فرنگی) Artichoke که طی سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بسیاری از زندانیان خارجی و متهمان به مأموران دو جانبه را به شکنجه های وحشیانه محکوم کرد، شکنجه ای مانند شوک الکتریکی، جراحی مغزی (لوبوتومی) و شوک های انسولین توسط مواد مخدر.

بسیاری از شهروندان ایالات متحده از خیابان های نیویورک و سانفرانسیسکو ناپدید شدند تا به قربانیان آزمایشگاه های مخفی بپیوندند. افراد ناپدید شده غالباً به گروه های اقلیت، فقیر، گم گشته ها، بزهکاران یا فاحشه ها و یا افرادی که به چنین اتهاماتی بازداشت شده بودند، تعلق داشته اند. بسیاری از آنها می بایستی پیامد ها و عوارض بازمانده از جراحات جسمی و روحی ناشی از آزمایش های تجربی را تحمل کنند. در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به ۶۵۰۰ سرباز امریکائی ال اس دی خورنده بودند بی آن که اطلاعی از آن داشته باشند. بسیاری از آنها می بایستی تا آخر عمر با دردها و رنج های ناشی از مسمومیت به ال اس دی به زندگی ادامه دهند، و برخی دیگر دست به خودکشی زدند. در سال ۱۹۵۳، سازمان سیا یک خارجی را مسموم کرده که طی هشت ماه در پاناما تحت شکنجه قرار داده بود، تنها به این علت که به همکاری با مأموران اطلاعاتی فرانسه متهم شده بود و از دیدگاه سیا فرد مظنونی به شمار می آمد. سپس، سیا احتمالاً همین فرد را از بین برد، البته پس از این که به شکل ناشناس به یک روزنامه نگار گفته بود که از هویت سازمان دهنده سوء قصد به جان اف کندی مطلع است.

https://www.youtube.com/watch?v=U9z-64FmV0&feature=player_embedded

https://www.youtube.com/watch?v=JigFWWheWVo&feature=player_embedded

https://www.youtube.com/watch?v=LUY-WHQ_BDY&feature=player_embedded

Bande annonce du livre (en anglais)

Article exclusif. Version française : Réseau Voltaire

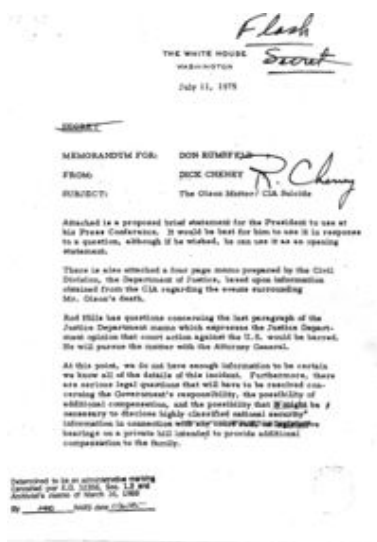
[Hank P. Albarelli Jr](#)

Documents joints

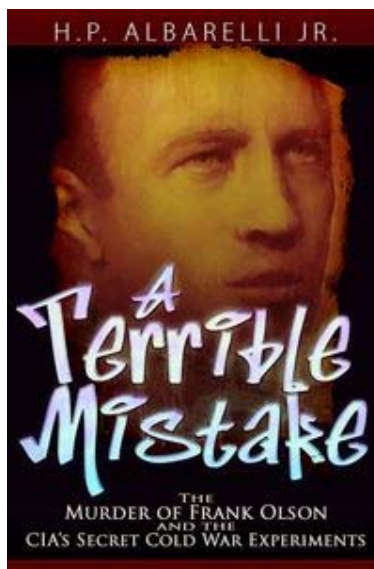
Documents déclassifiés relatifs à l'affaire Olson

(PDF - 1.2 Mo)

پرونده مرتبط به ماحرای اوسلون



http://www.voltairenet.org/IMG/pdf/olson_documents.pdf



[« A Terrible Mistake: The murder of Frank Olson and the CIA's secret Cold War Experiments »](#)

تجسس درباره آزمایش های تجربی به وسیله مواد مخدر توسط سازمان سیا طی جنگ سرد، و به ویژه در رابطه با مرگ دکتر فرانک اوسلون، کیمیادانی که در فوریت دتريک کار می کرد، و مسؤول بررسی کاربرد نظامی مواد مخدر بود. در سال ۱۹۷۵، در پاسخ به مأموران تجسسی هیأت راکفلر، ارتش ایالات متحده اعتراف کرد که بدون اطلاع کیمیادان به او ال اس دی خورنده که موجب بحران و هذیان هائی نزد او می شود که سپس در اثر آن خودش را از پنجره پرتاب می کند. پنتاگون ۷۵۰۰۰۰۰ دلار به عنوان خسارت به خانواده او اهداء می کند. ولی در سال ۱۹۹۴، کارشناسی پزشکی قانونی با نیش قبر، تعبیر رسمی درباره مرگ او را مردود دانست و احتمال قتل عمد را مطرح کرد.

مدارک تازه ای گواهی داده است که دکتر اوسلن آزمایش های گوناگونی را در زمینه جنگ کیمیائی و به ویژه آزمایش پون - سن - اسپری را هدایت می کرده است.

منبع:

<http://www.voltairenet.org/article164442.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۰۶ دسمبر ۲۰۱۴

* روزنامه نگار تجسسی و نویسنده آمریکایی. آخرین اثر او:

« A Terrible Mistake : The murder of Frank Olson and the CIA's secret Cold War

Experiments »

Guerre chimique

Quand la CIA menait des expériences sur des cobayes français

یادداشت:

خوانندگان نهایت عزیز و گرانقدر!

با ابراز امتنان خدمت همکار عزیز ما آقای «حمید محوی» که به صورت خستگی ناپذیر ما را در رزم ما علیه افشای امپریالیزم جنایتگستر آمریکا و شرکاء، و ارتجاع هار مذهبی همیشه یار و مددگار بوده و اگر قرار باشد، در شرایط کنونی کسی را «نستوه» نامید ایشان یکی از معدود کسانی اند، که شایسته و سزاوار برخورداری از چنان صفتی می باشند، می توانیم بیفزائیم:

آنچه را شما به ارتباط تلاش های جنایتکارانه و ضد بشری امپریالیزم آمریکا در این گزارش خواندید، در کشوری اتفاق افتاده که اولاً خودش یکی از قدرتهای اتمی جهان و عضو شورای امنیت، نهاد نامنهاد «ممل متحد» می باشد. در ثانی دولت فرانسه به مثابه یکی از کشورهای دوست و همپیمان آمریکا، از توانائی هائی برای دفاع از مردمش برخوردار و به مثابه یک قدرت بزرگ اروپائی می تواند، مشکلاتی برای آمریکا و سیاستهایش در اروپا خلق نماید، ثالثاً فرانسه به مثابه یک کشور امپریالیستی و پیشرفته غربی، این توانائی را دارد تا با کشف توطئه های ضد بشری آمریکا، مانع از ادامه جنایاتش در داخل فرانسه بگردد.

و اما اینکه که مثنی از میهن فروشان بی آرم چنان بوق دفاع از جنایات امپریالیزم آمریکا را به صدا در آورده اند، که روی «سیا» و «س. ان. ان.» را نیز سفید نموده اند و به همان اساس سخت در تلاش اند تا از سیاست های ضد انسانی آمریکا و نوکرانش در افغانستان به دفاع بپردازند، می توان از آنها پرسید:

فرض محال، تمام حرفها و ستایش هایتان به ارتباط آمریکا و نیات آن کشور، درست؛ مگر چه تضمینی وجود دارد که افغانستان میهن عزیز و مردم دربند ما را به آزمایشگاه و مردم آن را به موش های آزمایشی آن آزمایشگاه مبدل نسازد؟ مگر ما توانمند تر از فرانسه در جلوگیری و افشای آن جنایات هستیم؟ مگر ارزش ستراتیژیک افغانستان برای آمریکا بیشتر از فرانسه است؟ مگر حکمداران و طبقه حاکمه فعلی افغانستان میهن فروش تر از طبقه حاکمه فرانسه نیستند؟

...

تنها راه نجات کشور و مردم ما از خوابهای وحشتناکی که امپریالیزم برایش دیده، اتکاء به نیروی خود، یکپارچه ساختن ملت تحت رهبری خردمندانه فرزندان راستین مردم و حزب پیشاهنگ آن و ایجاد و تقویت چنان بازوی نظامی است که هر گوشه و دهکده کشور را به گورستان متجاوزان و مزدوران آنها مبدل سازد. به پیش بدان سمت!

اداره پورتال AA-AA